



رئاسة الشؤون الدينية  
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

# پاسداری از توحید

در حکم مددخواهی از پیامبر صلی الله علیه و سلم

حراسة التوحيد- إقامة البراهين على حكم من استغاث بغير الله

فارسي

الفارسية

تأليف:

عبد العزيز بن عبد الله بن باز  
رحمه الله



## حراسة التوحيد

إقامة البراهين على حكم من استغاث بغير الله

پاسداری از توحید

در حکم مددخواهی از پیامبر صلی الله علیه و سلم

تالیف:

عبد العزیز بن عبد الله بن باز

رحمه الله



## نامه دوم:

### در حکم مددخواهی از پیامبر صلی الله علیه و سلم

حمد و ستایش مخصوص الله متعال است، و صلوات و سلام بر رسول الله و آل و اصحابشان باد و هرکسی که به هدایت وی راه یافته است.

اما بعد: روزنامه‌ی «المجتمع کویت» در شماره‌ی ۱۵ خود، که در تاریخ ۱۹/۴/۱۳۹۰ هـ.ق، منتشر شد، ابیاتی را تحت عنوان: (در یادبود میلاد نبوی شریف) منتشر کرد. این ابیات شامل استغاثه به پیامبر صلی الله علیه و سلم و طلب یاری از او برای دریافتن امت و نصرت و رهایی آن از تفرقه و اختلاف بود، و با امضای کسی منتشر شد که خود را (آمنه) نامیده بود. این متن از ابیات مذکور است:

یا رسول الله، عالمی را دریاب... که جنگ را شعله‌ور می‌کند و در آتش آن می‌سوزد

یا رسول الله، امتی را دریاب... که در تاریکی شک، شبش به درازا کشیده است

یا رسول الله، امتی را دریاب... که در سرگشتگی‌های غم و اندوه، رؤیاهایش گم شده است

تا آنجا که می‌گوید:

پیروزی را شتاب ببخش، همان‌گونه که ... در روز بدر شتاب بخشیدی،  
هنگامی که پروردگارت را ندا دادی

پس خواری به پیروزی شگفت‌انگیزی بدل شد... به‌راستی که الله سپاهبانی  
دارد که آن‌ها را نمی‌بینی

این نویسنده اینچنین ندای استغاثه خود را به رسول الله صلی الله علیه وسلم  
می‌فرستد، از او درخواست می‌کند که با تعجیل در پیروزی، امت را دریابد، در  
حالی که فراموش کرده یا ناآگاه است که پیروزی تنها به دست الله است و نه به  
دست پیامبر صلی الله علیه وسلم و نه هیچ یک از مخلوقات دیگر، همان‌طور که  
الله متعال در کتاب روشن‌گر خود فرموده است: ﴿وَمَا التَّصْرُّ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ  
الْحَكِيمِ﴾ [آل عمران: ۱۲۶]، یعنی: (و پیروزی نیست جز از جانب الله شکست‌ناپذیر  
حکیم)، و الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ  
فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ﴾ [آل عمران: ۱۶۰]، یعنی: (اگر الله شما را یاری کند،  
هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد و [لی] اگر شما را به خود واگذارد، کیست که  
پس از او یاریتان کند؟).

و این عمل دعا و مددخواهی، انجام نوعی از انواع عبادت برای غیر الله متعال  
است؛ و به نص و اجماع معلوم شده است که این امر جایز نیست، و الله سبحانه و  
تعالی مخلوقات را خلق نموده تا او را عبادت کنند، و پیامبران را فرستاده و  
کتاب‌های آسمانی را نازل کرده و این برای بیان آن عبادت و دعوت به سوی آن  
است، چنانکه الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا

﴿لِيَعْبُدُونَ﴾ [الذاریات: ۵۶]، یعنی: (و جن و انس را فقط برای این آفریده‌ام که مرا عبادت کنند).

و الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶]، یعنی: (یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت (معبودان غیر الله) دوری کنید).

و الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۲۵]، یعنی: (و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگویند]: معبودی [به‌حق] جز من (الله) نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید).

و الله متعال می‌فرماید: ﴿الر كِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فَصَلْتُ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَيْرٍ \* أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ﴾ [هود: ۲۰۱]، یعنی: (الر الف. لام. را). این [قرآن]، کتابی است که آیات آن استحکام یافته است و سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است \* که جز الله را عبادت نکنید [که] بی‌تردید، من از سوی او برای‌تان بیم‌دهنده و بشارتگر هستم).

الله تعالی در این آیات محکم بیان کرده است که انسان‌ها و جنیان را جز برای عبادت خود نیافریده است، بی‌آنکه شریکی برای او باشد، و روشن ساخته که پیامبران علیهم السلام را برای امر به این عبادت و نهی از ضد آن فرستاده است، و خبر داده که آیات کتابش را محکم و مفصل نموده است تا غیر او عبادت نشود.

و معلوم است که عبادت یعنی: توحید الله و اطاعت از او، با پیروی از اوامر او و ترک نواهی او، و الله متعال در آیات زیادی به این امر نموده و خبر داده است، از جمله: این سخن او سبحانه و تعالی که می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً﴾ [البینة: ۵]، یعنی: (و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل] به توحید روی آورند).

و همچنین الله عزوجل می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ [اسراء: ۲۳]، یعنی: (و پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید)، و می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ \* أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۲-۳]، یعنی: (این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را مخلصانه عبادت کن \* آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده اند [پندارشان این است که: «آنها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند [و منزلت‌مان را بیشتر کنند]. الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدان راستین] داوری خواهد کرد. بی‌تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد).

آیات در این معنا بسیارند و همه دلالت بر وجوب اخلاص در عبادت فقط برای خداوند و ترک عبادت غیر از او اعم از پیامبران و دیگران دارند.



و بدون شک دعا از مهمترین و جامع ترین انواع عبادت است، پس واجب است که آن را خالصانه تنها برای الله انجام داد؛ چنانکه الله عز وجل می فرماید: ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [غافر: ۱۴]. یعنی: [تنها] الله را مخلصانه بخوانید؛ هر چند برای کافران ناخوشایند باشد).

و الله عز وجل می فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [جن: ۱۸]، یعنی: (و اینکه مساجد از آن الله است، پس کسی را همراه با الله نخوانید). و این دستور به اختصاص دعا به الله شامل همه ی مخلوقات از جمله پیامبران و دیگران می شود؛ و همچنین می فرماید: ﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۱۰۶]. یعنی: (و به جای الله، چیزی را که سود و زیانی به تو نمی رساند [به عبادت و نیازخواهی] نخوان که اگر چنین کنی، قطعاً از ستمکاران [مشرک] خواهی بود). و این گفته خطاب به پیامبر صلی الله علیه و سلم بوده و هدف از آن: هشدار دادن به دیگران است؛ زیرا معلوم است که الله سبحانه و تعالی رسولش را از شرک در امان داشته است، سپس الله تعالی در نهی و هشدار شدت بخشید؛ و فرمود: ﴿فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (اگر چنین کنی، قطعاً از ستمکاران [مشرک] خواهی بود). و ظلم وقتی به طور مطلق ذکر می شود، منظور از آن شرک اکبر است؛ چنانکه الله متعال می فرماید: ﴿وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۴]، (وکافران همان ظالمانند). و الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [لقمان: ۱۳]، یعنی: (یقیناً شرک، ستم بزرگی است). پس اگر رسول خدا؛ سرور فرزندان آدم علیه الصلاة والسلام غیر از الله را بخواند، از ستمکاران خواهد بود، چه رسد به دیگران؟!

از این آیات و غیره بر می آید که دعا و خواندن غیر از الله - اعم از مردگان و درختان و بت‌ها و غیره - شرک به الله عز و جل بوده و با توحید الله در عبادت که هدف از خلقت جن و انس و ارسال پیامبران و نزول کتاب‌ها است، منافات دارد و با معنای لا إله إلا الله که عبادت را از غیر الله نفی و برای الله وحده اثبات می کند، در تعارض است، چنانکه الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ [الحج: ۶۲]. یعنی: (این به سبب آن است که الله حق است و آنچه را که [مشرکان] جز او می خوانند [همه] باطل هستند و الله بلندمرتبه‌ی بزرگ است).

و این اصل دین و اساس ملت است و عبادات صحیح نمی شوند مگر پس از صحت این اصل، چنانکه الله تعالی فرموده اند: ﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۵]. یعنی: (به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که: اگر شرک بورزی، [پاداش] کارهایت قطعاً بر باد خواهد رفت و زیانکار خواهی شد).

و الله متعال می فرماید: ﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۸۸]. یعنی: (و اگر آنان شرک ورزیده بودند قطعاً آنچه انجام می دادند تباه می شد).

و از آنچه گذشت روشن می شود که دین اسلام و گواهی دادن به: (لا إله إلا الله) دو اصل بزرگ دارد:

**اول:** کسی جز الله پرستش نشود، که شریکی برای او نیست؛ پس هرکس مردگان از پیامبران و غیر آنان را بخواند، یا بت‌ها، یا درختان، یا سنگ‌ها، یا دیگر

مخلوقات را بخواند، یا از آنان یاری بخواهد، یا با قربانی‌ها و ندورات به آنان تقرب جوید، یا برای آنان نماز بخواند، یا سجده کند؛ آنان را اربابانی غیر از الله گرفته و آنان را همتای او سبحانه و تعالی قرار داده و معنای لا إله إلا الله را نقض و نفی کرده است.

**دوم:** نباید الله متعال را جز به شریعت پیامبر و رسولش صلی الله علیه وسلم عبادت کرد، پس هرکس در دین بدعتی ایجاد کند که الله به آن اجازه نداده است؛ معنای شهادت به اینکه محمد رسول الله است را محقق نکرده و عملش به او سودی نمی‌رساند و پذیرفته نمی‌شود، الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾ [الفرقان: ۲۳]. یعنی: (و به [بررسی] کارهایشان می‌پردازیم و همه را [همچون] غباری پراکنده می‌سازیم)، و مقصود از اعمال مذکور در آیه: اعمال کسی است که در حال شرک به الله عزوجل بمیرد.

و همچنین شامل اعمال بدعت‌آمیزی که الله به آنها اجازه نداده است نیز می‌شود، زیرا در روز قیامت به غباری پراکنده تبدیل می‌شوند، چون با شریعت پاک او موافق نبوده‌اند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «هر کس در این امر (دین) ما، چیزی جدید بیآورد که در آن نیست، [کارش] مردود است». (بخاری و مسلم) بر صحت آن اتفاق دارند.

خلاصه سخن این است که این نویسنده استغاثه و دعای خود را به رسول الله صلی الله علیه و سلم متوجه کرده و از پروردگار جهانیان که پیروزی و زیان و سود در دست اوست و در دست غیر او چیزی از این امور نیست، روی گردانده است.

و شکی نیست که این ستمی بزرگ و وخیم است، و خدای عزوجل دستور داده که او را بخوانیم و به درگاه او دعا کنیم و وعده داده که دعای کسی که او را بخواند اجابت کند، و کسی که از آن تکبر ورزد را به ورود به جهنم تهدید کرده، همان طور که عز وجل فرموده‌اند: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰]، یعنی: (پروردگارتان فرموده‌اند: مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم. کسانی که از عبادت من سرکشی می‌کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می‌شوند) داخرین: یعنی خوار و ذلیل به جهنم در آیند.

این آیه کریمه بر این دلالت دارد که دعا عبادت است و هر کس از آن تکبر ورزد، جایگاهش جهنم است. پس اگر این حال کسی است که از دعای الله تکبر ورزد، حال کسی که غیر او را به دعا بخواند و از او روی گرداند چگونه خواهد بود، در حالی که او سبحانه و تعالی نزدیک، مالک همه چیز و قادر بر هر چیز است، چنانکه خدای سبحان فرموده است: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۶]، یعنی: (و [ای پیامبر] هرگاه بندگانم درباره‌ی من از تو پرسند، [به آنان بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم؛ پس [آنان فقط] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند).

و پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح خبر داده است که دعا همان عبادت است و به پسر عمویش عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فرمودند: «إِحْفَظِ اللهُ يَحْفَظُكَ، إِحْفَظِ اللهُ تَحِدُهُ تَجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللهُ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنِ بِاللَّهِ»،

یعنی: «الله را حفظ کن، تو را حفظ می کند؛ الله را حفظ کن، او را در مقابل خود خواهی یافت؛ اگر درخواست کردی از الله درخواست کن و اگر یاری خواستی، از الله یاری بخواه». به روایت ترمذی و دیگران.

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو لِلَّهِ نِدَاءً دَخَلَ النَّارَ» یعنی: «هر کسی بمیرد در حالی که همراه الله شریکی می خواند، داخل آتش (جهنم) می شود». به روایت بخاری.

در صحیحین روایت است که از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسیده شد: کدام گناه بزرگ تر است؟ فرمود: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدَاءً وَهُوَ خَلَقَكَ»، یعنی: «اینکه برای الله همتایی قرار دهی، در حالی که او تو را آفریده است». نِد: همان همتا و همانند است، پس هرکس غیر از الله را به فریاد خوانده یا از او مدد بخواهد یا برای او نذر کند یا برای او قربانی کند یا هر نوع عبادتی را که پیشتر ذکر شد به او اختصاص دهد، در واقع او را همتا و همانند الله متعال قرار داده است، خواه آن غیرالله نبی باشد یا ولی یا فرشته یا جن یا بت یا هر مخلوق دیگری.

و در اینجا ممکن است کسی بپرسد: حکم درخواست از انسان زنده و حاضر در آنچه که قادر به انجام آن است، و کمک خواستن در امور حسی که او قادر به انجام آن است، چیست؟

**پاسخ:** این از موارد شرک نیست، بلکه از امور عادی و جایز بین مسلمانان است، همان طور که خداوند در داستان موسی می فرماید: ﴿فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنَ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ﴾ [القصص: ۱۵]، یعنی: (پس کسی که از قوم او بود، علیه

دشمنش از او (موسی) یاری خواست)، و همچنین در داستان موسی نیز می‌فرمایند: ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ﴾ [القصص: ۲۱]، یعنی: (پس [موسی] ترسان و مراقب از آنجا بیرون رفت)، و همان‌طور که انسان در جنگ و دیگر اموری که برای مردم پیش می‌آید و به یکدیگر نیازمند هستند، از یارانش کمک می‌خواهد.

و الله تعالی به پیامبرش صلی الله علیه وسلم امر فرمود که به امت خود بگویند که او مالک نفع و ضرری برای کسی نیست؛ الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا \* قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾ [الجن: ۲۱، ۲۲]، یعنی: «بگو: بی گمان، من نه می‌توانم زیانی به شما برسانم و نه خیر و سودی».

و الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۸]، یعنی: [ای پیامبر]، بگو: من مالک سود و زیانی برای خویشتم نیستم، مگر آنچه را که الله بخواهد؛ و اگر غیب می‌دانستم، خیر [و سود] بسیاری [برای خود] فراهم می‌ساختم و هیچ بدی [و زیانی] به من نمی‌رسید. من [کسی] نیستم، مگر بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده‌ی [دلسوز] برای گروهی که ایمان دارند).

و در این معنا آیات بسیاری وجود دارند.

و از جمله امور معلوم و روشن این است که پیامبر صلی الله علیه وسلم جز پروردگارش را نمی‌خواند، چنانکه ثابت شده که در روز بدر از خداوند متعال طلب یاری می‌کرد و از او نصرت و پیروزی بر دشمنش را می‌خواست و در این امر اصرار

می‌ورزید و می‌گفت: «یارب! آنچه را که به من وعده داده‌ای، به انجام رسان.» تا اینکه صدیق اکبر ابوبکر رضی الله عنه گفت: «کافی است ای رسول خدا، زیرا که خداوند آنچه را به تو وعده داده، به انجام خواهد رساند». خدای سبحان در این باره آیه نازل فرمود: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ﴾ [الأنفال: ۹]، یعنی: [روز بدر را به یاد آورید؛] آنگاه که از پروردگارتان فریادرسی [و یاری] می‌خواستید و او [درخواست] شما را پذیرفت [و فرمود:] بی‌گمان، شما را با هزار فرشته که پیاپی فرود می‌آیند یاری می‌کنم).

خداوند در این آیه استغاثه آن‌ها را برایشان یادآور شده و خبر داده که دعایشان را اجابت نموده و با فرشتگانش به یاری‌شان شتافته است؛ برای بشارت به پیروزی و آرامش. و بیان نموده است که پیروزی از جانب فرشتگان نیست، بلکه پیروزی از جانب اوست، پس فرمود: ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ [آل عمران: ۱۲۶]، یعنی: (و پیروزی جز از جانب الله نیست).

و الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۲۳]، یعنی: (و ای مؤمنان، بی‌گمان، الله شما را در [جنگ] بدر در حالی یاری کرد که [به سبب کمبود افراد و اسلحه] ناتوان بودید؛ پس از الله پروا کنید؛ باشد که شکر [نعمت‌هایش را] به جای آورید).

الله متعال در این آیه بیان می‌کند که او سبحانه و تعالی یاری‌دهنده آنان در روز بدر بود، و از این دانسته می‌شود که آنچه از سلاح و قدرت به آنان عطا کرد و آنچه

از فرشتگان به یاری‌شان فرستاد، همه این‌ها از اسباب پیروزی و بشارت و آرامش است، و پیروزی از آن‌ها نیست، بلکه تنها از جانب الله است. پس چگونه این نویسنده یا دیگران جرأت می‌کنند پیامبر صلی الله علیه وسلم را به فریاد بخوانند و از ایشان درخواست پیروزی کنند و از پروردگار جهانیان که مالک و قادر بر همه چیز است روی گردان شوند؟

بدون شک این از زشت‌ترین جهالت‌ها و بلکه از بزرگ‌ترین شرک‌ها است، پس بر نویسنده واجب است که به درگاه الله سبحانه و تعالی توبه نصوح کند.

و توبه نصوح شامل چند امر است، که عبارتند از:

**نخست:** پشیمانی بابت گناهی که از او سر زده.

**دوم:** دست کشیدن از آنچه رخ داده،

**سوم:** عزم جدی برای عدم تکرار آن، به منظور بزرگ‌داشت خدا و اخلاص برای او، و پیروی از دستوراتش، و برحذر بودن از آنچه نهی کرده است، این است توبه نصوح. و یک امر چهارم نیز وجود دارد که ویژه زمانی است که در حق انسان‌ها بدی روا داشته باشد و آن:

**چهارم:** بازگرداندن حق به مستحق آن، یا طلب حلالیت از او است.

الله متعال بندگانش را به توبه امر کرده و وعده‌ی پذیرش آن را داده است، چنانکه فرموده است: ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱]، یعنی: (و ای مؤمنان همگی به سوی الله توبه کنید؛ باشد که رستگار گردید)،



و در مورد نصرانیان می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [المائدة: ۷۴]، یعنی: (آیا به سوی الله باز نمی‌گردند و از او طلب آمرزش نمی‌کنند؟ حال آنکه الله آمرزنده‌ی مهربان است).

و الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا \* يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا \* إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الفرقان: ۶۸-۷۰]، یعنی: (و [بندگان رحمان] کسانی هستند که معبودی دیگر با الله نمی‌خوانند و کسی که الله [کشتنش را] حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس این [گناهان] را مرتکب شود، کیفر گناه [خویش] را می‌بیند \* روز قیامت، عذابش دوچندان می‌گردد و با خواری در آن [عذاب] جاودان می‌ماند \* مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کاری شایسته انجام دهد؛ اینانند که الله بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و الله همواره آمرزگاری مهربان است).

و الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [الشوری: ۲۵]، یعنی: (اوست که توبه‌ی بندگان را می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد و آنچه انجام می‌دهید را می‌داند).

و در حدیث صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمودند: «الإسلامُ يهدمُ ما كان قبله، والتَّوْبَةُ تَجِبُ ما كان قبلها» یعنی: «اسلام هر

آنچه قبل از آن بوده را از بین می‌برد و توبه نیز هر آنچه قبل از آن بوده را پاک می‌کند».

و این کلمات مختصر را نگاشته‌ام؛ به دلیل بزرگی خطر شرک و اینکه شرک از بزرگترین گناهان است، و همچنین از بیم اینکه عده‌ای فریب این نویسنده را بخورند، و به دلیل وجوب خیرخواهی برای [دین] الله و بندگانش. از الله جل جلاله می‌خواهم که آنرا سودمند بگرداند، و احوال ما و احوال همه مسلمانان را اصلاح کند، و بر ما و همه مسلمانان فقه در دین و ثبات بر آن ارزانی دارد، و ما و مسلمانان را از شرارت‌های نفس و بدی‌های اعمالمان پناه دهد، همانا او ولی و قادر بر این امر است.

و درود و سلام و برکات الله بر بنده و پیامبرش، پیامبرمان محمد و آل و اصحابشان باد.

### نامه سوم:

### در مورد حکم مددخواهی از جن و شیاطین و نذر برای آنها

از عبدالعزیز بن عبدالله بن باز به هر مسلمانی که این را می‌بیند، الله من و ایشان را برای تمسک به دینش و پایداری بر آن توفیق دهد، آمین.

سلام و رحمت الهی و برکاتشان بر شما باد، اما بعد:

برخی از برادران از من درباره‌ی اعمالی که برخی از جاهلان انجام می‌دهند، پرسیدند؛ از جمله دعا کردن و حاجت خواستن از غیر خداوند سبحان، و درخواست

کمک در امور مهم؛ مانند دعا و استغاثه و فریادخواهی از جن، نذر کردن برای آن‌ها و ذبح کردن برای آن‌ها. و از جمله این نیز، سخن برخی از آن‌ها است که می‌گویند: (ای هفت نفر)، یعنی: هفت نفر از سران جن او را بگیرید، استخوان‌هایش را بشکنید، خونسش را بنوشید، او را قطعه قطعه کنید، ای هفت نفر با او چنین کنید، یا این گفته برخی از آن‌ها: (بگیریدش ای جن‌های ظهر، ای جن‌های عصر)، و این در برخی مناطق جنوبی بسیار دیده می‌شود، و از جمله موارد مرتبط با این موضوع: دعا کردن و حاجت خواستن از مردگان اعم از پیامبران و صالحان و دیگران، و دعا کردن و درخواست کمک از فرشتگان است، همه آنچه بیان شد و سخنان مشابه آن از سوی کسانی سر می‌زند که منتسب به دین اسلام هستند، و از روی نادانی و یا تقلید از پیشینیان این کلمات را بر زبان جاری می‌سازند و شاید برخی از آنان در این موضوع سهل‌انگاری نموده و به این گفته استناد کنند: آنچه می‌گوییم سخنی است که بر زبان جاری می‌شود و اعتقاد و باوری به آن نداریم.

و همچنین از من درباره‌ی حکم ازدواج با کسانی که به انجام این اعمال شناخته شده‌اند، پرسیدند، و اینکه آیا ذبایح آنها و نماز خواندن بر آنان و پشت سر آنان و تصدیق جادوگران و فالگیران؛ مانند کسی که ادعای شناخت بیماری و علل آن را صرفاً با مشاهده‌ی چیزی دارد که بدن بیمار را لمس کرده است؛ مانند عمامه، شلوار، مقنعه و امثال آن؛ جایز است؟

**پاسخ:** ستایش تنها از آن‌الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست و بر آل و اصحابشان و تمام کسانی باد که تا روز قیامت به پیروی از ایشان راه یافتند، اما بعد:

الله سبحانه و تعالی ثقلین [جنیان و انسانها] را خلق نموده است تا او را عبادت کنند و هیچ چیزی جز او را عبادت نکنند و او را در دعا و مددخواهی، ذبح و نذر و سایر عبادات مختص نمایند. الله متعال پیامبران را با این رسالت فرستاده و آنها را به این امر فرمان داده است و کتاب‌های آسمانی که بزرگ‌ترین آنها قرآن کریم است را برای بیان این موضوع و دعوت به آن نازل کرده است، و مردم را از شرک به الله و عبادت غیر او برحذر داشته است.

و این پایه‌ای ترین اصل و اساس امت و دین است، و این همان معنای گواهی لا اله الا الله است، و معنای حقیقی آن اینست که: هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد است، که الوهیت و عبادت را از غیر الله نفی کرده و آن را - یعنی عبادت را - فقط برای الله اثبات می کند، و نه هیچکسی جز او از سایر مخلوقات.

و ادله بر این موضوع از کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار فراوان است، از جمله: این سخن الله جل جلاله که: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]، یعنی: (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند)، و می فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ [الإسراء: ۲۳]، یعنی: (و پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر [تان] نیکی کنید)، و اینکه می فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾ [البینة: ۵]، یعنی: (و به آنان فرمان داده نشد، جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل] به توحید روی آورند).

و می فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰]، یعنی: (پروردگارتان فرمود: مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم. کسانی که از عبادت من سرکشی می کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می شوند).

و الله تعالی می فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة: ۱۸۶]، یعنی: (و [ای پیامبر]، هرگاه بندگانم درباره‌ی من از تو بپرسند، [به آنان بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - به هنگام خواندن من - اجابت می کنم).

خداوند سبحان در این آیات بیان کرده است که انسان‌ها و جنیان را برای عبادتش آفریده و در قرآن و بر زبان رسولش صلی الله علیه وسلم به بندگانش امر و توصیه کرده است که جز پروردگارش را عبادت نکنند.

و الله جل و علا بیان نمود که دعا عبادتی بزرگ است، و هر کس از آن تکبر ورزد، وارد آتش می شود. و بندگانش را امر نمود که تنها او را به دعا بخوانند، و خیر داد که او نزدیک است و دعای آنان را اجابت می کند. بنابراین بر همه‌ی بندگان واجب است که تنها پروردگارش را به دعا اختصاص دهند؛ زیرا این نوعی از عبادت است که برای آن آفریده شده‌اند و به آن امر شده‌اند. و فرموده‌اند: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۲، ۱۶۳]، «بگو: بی تردید، نمازم و قربانی‌های من و زندگی و

مرگم همه برای الله پروردگار جهانیان است \* شریکی برای او نیست و به این مأمور شده‌ام و من نخستین مسلمانم).

پس خداوند به پیامبر خود صلی الله علیه وسلم دستور داده که به مردم اعلام کند که نماز و نسکشان - که همان ذبح و قربانی کردن حیوان است - و زندگی و مرگشان برای الله پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد. بر این اساس، هر کس برای غیر الله قربانی کند، به الله شرک آورده است، همان‌طور که اگر برای غیر الله نماز بخواند؛ زیرا خداوند سبحان نماز و قربانی کردن را در کنار هم ذکر نموده و بیان کرده است که این دو تنها برای الله است که هیچ شریکی ندارد.

پس هر کس برای غیر الله اعم از جن و فرشتگان و مردگان و دیگران قربانی کند و به این وسیله به آنان تقرب جوید، مانند کسی است که برای غیر الله نماز می‌خواند. و در حدیث صحیح آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله متعال کسی را که برای غیر الله قربانی می‌کند، لعنت کرده است».

و همچنین امام احمد با سند "حسن" از طارق بن شهاب رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دو مرد از نزد قومی گذشتند و آنان بتی داشتند که هیچ کس از آن نمی‌گذشت، مگر اینکه چیزی برایش قربانی کند، به یکی از آن دو گفتند: قربانی کن. گفت: چیزی ندارم که قربانی کنم، گفتند: حتی مگسی هم باشد قربانی کن، پس مگسی قربانی کرد و راهش را باز کردند، پس وارد دوزخ شد، و به دیگری گفتند: قربانی کن. گفت: هوگز برای کسی جز الله جل جلاله چیزی قربانی نمی‌کنم، پس گردنش را زدند و وارد بهشت شد».

اگر کسی با قربانی کردن مگس و امثال آن برای بت و مانند آن سعی در تقرب داشته باشد مشرک شده و سزاوار ورود به آتش می گردد، پس چگونه است حال کسی که جن و فرشتگان و اولیا را می خواند و از آنها یاری می طلبد و برای آنها نذر می کند و با قربانی کردن حیوانات به آنها تقرب می جوید به امید حفظ مال، یا شفای بیمار خود، یا سلامتی چهارپایان و زراعتش؟ و چگونه است حال کسی که این کارها را از ترس شر جن یا امثال آن انجام می دهد؟! بدون شک کسی که این اعمال و امثال آن را انجام می دهد، سزاوارتر است که مشرک شده و مستحق ورود به آتش باشد نسبت به آن مردی که مگس را برای بت قربانی کرد.

و از جمله کلام الله جل جلاله که در این باره نازل شده: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ \* أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۲-۳]، یعنی: (بی گمان ما [این] کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، پس الله را پرستش کن و دین را برای او خالص گردان \* آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده اند [پندارشان این است که] آنها را فقط به این دلیل عبادت می کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند [و منزلتمان را بالاتر ببرند]. الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدان راستین] داوری خواهد کرد. بی تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد).

و الله تعالى می فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَنْتَبِتُوكَ اللَّهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [یونس: ۱۸]، یعنی: (و [مشرکان] به جای الله چیزهایی را عبادت می کنند که نه به آنان زیانی می رساند و نه سودی به آنان می بخشد و می گویند: اینها، [واسطه ها و] شفاعتگران ما نزد الله هستند. [ای پیامبر] بگو: آیا [به گمان خود،] الله را از چیزی (شریکی) آگاه می سازید که در آسمانها و زمین [برایش قائلید و خود] نمی داند؟ او تعالی منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می سازند، برتر است).

خداوند سبحان در این دو آیه خبر می دهد که مشرکان به غیر از خداوند برای خود اولیایی از میان مخلوقات برگزیده اند و همراه با خداوند آن ها را از طریق ترس، امید، قربانی، نذر، دعا و امثال آن عبادت می کنند، به این گمان که آن اولیا کسانی که عبادتشان می کنند آن ها را به خدا نزدیک می کنند و نزد او از آن ها شفاعت می کنند. سپس خداوند سبحان آنها را تکذیب کرده و باطل بودن ادعایشان را روشن ساخته و آنان را دروغگو، کافر و مشرک نامیده و خود را از شرکشان منزّه دانسته است، و فرموده: ﴿سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [النحل: ۱]، یعنی: (او منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می سازند برتر است).

پس دانسته شد که هر کس پادشاهی، یا پیامبری، یا جنی، یا درختی، یا سنگی را به همراه الله متعال بخواند و از او یاری طلبد و به او با نذر و ذبح تقرب جوید، به امید شفاعتش نزد الله، یا نزدیکی به او، یا امید بهبودی بیمار، یا حفظ مال، یا سلامتی غایب، یا اموری مشابه؛ به این شرک بزرگ و بلای وخیم گرفتار شده است



که الله متعال درباره آن فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۴۸]، یعنی: (بی گمان، الله این گناه را که به او شرک آورده شود نمی بخشد و غیر از آن را - برای هر کس نخواهد - می بخشد؛ و هر کس به الله شرک ورزد، یقیناً گناهی بزرگ بر یافته است).

و الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۷۲]، یعنی: (بی تردید، هر کس به الله شرک آورد، الله بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاهش دوزخ است و ستمکاران را یآوری نیست).

و شفاعت تنها در روز قیامت برای اهل توحید و اخلاص حاصل می شود، نه برای اهل شرک، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند وقتی به او گفته شد: ای رسول خدا، چه کسی سعادتمندترین مردم به شفاعت شماست؟ فرمود: «کسی که «لا اله الا الله» را خالصانه از دلش بگوید».

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ، فَتَعَجَّلْ كُلُّ نَبِيٍّ دَعْوَتَهُ، وَإِنِّي اخْتَبَأْتُ دَعْوَتِي شَفَاعَةً لِأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَهِيَ نَائِلَةٌ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - مِنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا»: یعنی: «هر پیامبری دعایی مستجاب دارد که آن را به درگاه خداوند استفاده کرده و اجابت شده است؛ و من دعایم را برای شفاعت امتم در روز قیامت ذخیره کردم و این شفاعت - ان شاء الله - شامل حال کسی می شود که از امتم بمیرد و هیچ چیزی را شریک خداوند قرار ندهد».

و مشرکان نخستین به این ایمان داشتند که الله پروردگار و خالق و رازق آنهاست، اما به پیامبران و اولیا و فرشتگان و درختان و سنگ‌ها و امثال آن متوسل می‌شدند، به امید شفاعت آنها نزد الله و نزدیک گردیدن به او، همانطور که در آیات پیشین آمده است، پس خداوند آن‌ها را به این دلیل معذور ندانست، بلکه در کتاب بزرگ خود این کار آن‌ها را مردود دانسته و آنان را کافر و مشرک نامید و ادعای آن‌ها را که این معبودان برایشان شفاعت می‌کنند و آن‌ها را به الله نزدیک می‌گردانند، تکذیب کرد.

و پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیز آن‌ها را معذور ندانست، بلکه پیامبر صلی الله علیه وسلم با آن‌ها بر سر این شرک جنگید تا عبادت را خالصانه برای الله یکتا انجام دهند، و به این فرموده خداوند عمل کردند: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۹۳]، یعنی: (و با آنها بجنگید تا فتنه [= شرک] باقی نماند و دین، [خالصانه] از آن الله گردد. پس اگر دست برداشتند، [ستم نکنید که] ستم، جز بر ستمکاران روا نیست).

و رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ»، یعنی: «امر شده‌ام با مردم بجنگم تا آنکه شهادت دهند معبودی [به حق] جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده‌ی الله است و نماز را بر پا دارند و زکات را بپردازند، پس چون چنین کردند، جان‌ها و اموالشان را از من حفظ کرده‌اند مگر به حق اسلام؛ و حسابشان با الله است». و معنای سخن رسول خدا صلی الله علیه وسلم: «تا گواهی دهند که

معبودی به حق نیست جز الله» یعنی: تا عبادت را تنها برای الله خالص گردانند و هیچ کس دیگر را در آن شریک نسازند.

و مشرکان از جن‌ها می‌ترسیدند و به آنها پناه می‌بردند؛ الله متعال در این باره آیه نازل فرمود: ﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ [الجن: ۶]. یعنی: (و اینکه مردانی از آدمیان به مردانی از جنیان پناه می‌بردند، پس آن‌ها به گمراهی و سرکشی‌شان افزودند)، اهل تفسیر در مورد این آیه کریمه می‌فرمایند: معنای آن چنین است: ﴿فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ یعنی: وحشت و ترس آنها را بیشتر کردند؛ زیرا جن‌ها در خود تعظیم و تکبر می‌کنند، هنگامی که می‌بینند انسان‌ها به آنها پناه می‌برند، و در این هنگام بر ترساندن و وحشت‌افکنی آنها می‌افزایند، تا عبادت و پناه‌بردن به آنها را بیشتر کنند.

و الله متعال به مسلمانان به جای آن، استعاذه به خود و به کلمات تمام و کاملش را عطا کرده است و در این باره فرموده است: ﴿وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأعراف: ۲۰۰]. یعنی: (و اگر وسوسه‌ای از سوی شیطان به تو رسید، به الله پناه ببر [که] بی‌تردید، او شنوای داناست).

و الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ [الفلق: ۱]. یعنی: (ای پیامبر، [بگو: به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم]).

از رسول خدا صلی الله علیه و سلم به صورت صحیح روایت شده است که فرمودند: «هر کسی در جایی اتراق کرد و گفت: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ

مَا خَلَقَ» یعنی: (پناه می‌برم به کلمات تمام و کامل الله متعال از شر آنچه آفریده است)، هیچ چیزی به او زیان نمی‌رساند تا زمانی که از آن مکان کوچ کند».

از آیات و احادیثی که پیش‌تر ذکر شد، طالب نجات و کسی که خواهان حفظ دین خود و رهایی از شرک است، مسایل بزرگ و کوچک آن را درمی‌یابد؛ که تعلق به مردگان و فرشتگان و جن و دیگر مخلوقات، و دعا و مددخواهی به آنها و امثال آن، از اعمال اهل جاهلیت مشرکان است و از زشت‌ترین انواع شرک به الله سبحانه و تعالی می‌باشد، بنابراین واجب است که آن را ترک کرده و از آن حذر نمود و به ترک آن توصیه کرد و بر کسی که آن را انجام می‌دهد، انکار نمود.

چنانچه در میان مردم کسی که به این اعمال شرک‌آمیز شناخته شده باشد: نه ازدواج با او جایز است، و نه خوردن ذبیحه‌اش، و نه نماز خواندن بر او، و نه نماز خواندن پشت سر او، تا زمانی که به درگاه الله سبحانه و تعالی از آن کرده‌های خود توبه کند و دعا و عبادت را خالصانه برای الله متعال انجام دهد، و دعا همان عبادت است، بلکه مغز آن است، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دعا همان عبادت است»، و از او صلی الله علیه وسلم در لفظ دیگری روایت شده که فرمود: «دعا اساس و هسته‌ی عبادت است».

اما در مورد ازدواج با مشرکان: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا أُمَّةً مُّؤْمِنَةً خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَىٰ النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [البقرة:

[۲۲۱]، (و [ای مؤمنان] با زنان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند ازدواج نکنید؛ و بی‌گمان، کنیز مؤمن، از زن [آزاد] مشرک بهتر است؛ گرچه [زیبایی یا دارایی‌اش] مورد پسندتان واقع گردد؛ و [زنان مسلمان را] به ازدواج مردان مشرک درنیاوید، مگر آنکه ایمان بیاورند؛ و قطعاً برده‌ی مؤمن، از مرد [آزاد] مشرک بهتر است؛ گرچه شیفته‌ی [دارایی و موقعیت] او شده باشید. آنان به سوی آتش [دوزخ] فرامی‌خوانند و الله به فرمان [و توفیق] خویش به سوی بهشت و آمرزش دعوت می‌کند و آیات [و احکام] خویش را برای مردم روشن می‌سازد؛ باشد که پند گیرند).

الله سبحانه و تعالی مسلمانان را از ازدواج با زنان مشرک، از جمله عبادت‌کنندگان بت‌ها، جن، فرشتگان و غیره، نهی کرده است تا زمانی که به اخلاص عبادت برای الله یکتا ایمان آورند و رسول الله صلی الله علیه و سلم را در آنچه آورده است، تصدیق کنند و از راه او پیروی نمایند. و از ازدواج مردان مشرک با زنان مسلمان نهی کرده است تا زمانی که به اخلاص عبادت برای الله یکتا ایمان آورند و رسول الله صلی الله علیه و سلم را تصدیق کنند و از او پیروی نمایند.

و الله سبحانه و تعالی خیر داده است که کنیز مؤمن بهتر از زن آزاد مشرک است، حتی اگر کسی که به او نگاه می‌کند و سخنش را می‌شنود، به خاطر زیبایی و شیرینی کلامش از او خوشش بیاید؛ و برده‌ی مؤمن بهتر از مرد آزاد مشرک است، حتی اگر شونده‌ی وصفش و بیننده‌اش به خاطر زیبایی، فصاحت و شجاعت و دیگر ویژگی‌هایش از او خوشش بیاید. سپس دلایل این برتری را با گفتار خود روشن می‌سازد. ﴿أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾ یعنی: (آنان به سوی دوزخ فرامی‌خوانند) یعنی: مردان و زنان مشرک؛ زیرا آنان با گفتارها، کردارها، سیرت و اخلاقشان

دعوت کنندگان به سوی آتش اند، اما مردان و زنان مؤمن با اخلاق، اعمال و سیرتشان دعوت کنندگان به سوی بهشت اند، پس چگونه اینان و آنان یکسان باشند!

و اما در مورد نماز بر مشرکان: الله متعال در شأن منافقان می فرماید:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [التوبة: ۸۴]. یعنی: (و هرگز بر هیچ مُرده‌ای از آنان نماز نخوان و [برای دعا خواندن و طلب آمرزش] بر سر قبرش نایست؛ [چرا که] بی تردید، آنان به الله و پیامبرش کفر ورزیده‌اند و در حالی مُردند که نافرمان بودند)، الله متعال در این آیه‌ی کریمه روشن ساخته است که بر منافق و کافر نماز خوانده نمی‌شود؛ به دلیل کفرشان به الله و رسولش، و همچنین پشت سر آنها نماز خوانده نمی‌شود و آنها به عنوان امامان مسلمانان قرار داده نمی‌شوند؛ به دلیل کفرشان و عدم امانت‌داریشان، و به خاطر دشمنی بزرگی که بین آنها و مسلمانان وجود دارد؛ زیرا آنها در زمره‌ی اهل نماز و عبادت نیستند؛ زیرا کفر و شرک هیچ عملی را باخود باقی نمی‌گذارند، از الله متعال برای ارتکاب این گناهان عافیت می‌طلبیم.

و اما خوردن گوشت حیوانی که مشرکان قربانی کرده‌اند: الله جل جلاله در بیان تحریم مردار و ذبایح مشرکان فرموده است: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذَكَّرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۱]. یعنی: (و [ای مؤمنان]، از آنچه [هنگام ذبح] نام الله بر آن برده نشده است نخورید؛ چرا که آن [کار] قطعاً نافرمانی است؛ و در حقیقت،

شیاطین به دوستان خود القا می‌کنند که با شما [در این مورد] مجادله نمایند؛ و اگر از آنان اطاعت کنید، قطعاً شما [نیز در زمره‌ی] مشرکان هستید).

پس الله جل جلاله مسلمانان را از خوردن مردار و قربانی مشرک نهی کرده است؛ زیرا نجس است و قربانی او حکم مردار را دارد، حتی اگر نام الله بر آن برده شود؛ زیرا نام بردن از الله توسط او باطل بوده و اثری ندارد؛ زیرا قربانی کردن عبادت است و شرک عبادت را باطل می‌کند، تا زمانی که مشرک به سوی الله سبحانه و تعالی توبه کند. و جز این نیست که الله جل جلاله غذای اهل کتاب را در این سخن حق تعالی حلال کرده است: ﴿وَوَطَّعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَوَطَّعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ﴾ [المائدة: ۵]، یعنی: (و [ذبیح و] غذای اهل کتاب برای شما حلال است).

زیرا که آنها به دینی آسمانی منتسب می‌شوند و ادعا می‌کنند که پیروان موسی و عیسی هستند، هرچند که در این ادعا دروغ می‌گویند و خداوند دین آنها را با بعثت محمد صلی الله علیه و سلم به سوی مردم به طور عام نسخ و باطل کرده است. اما خداوند جل جلاله غذای اهل کتاب و زنانشان را برای ما حلال کرده است؛ به خاطر حکمتی کامل و اسراری که اهل علم آن را روشن کرده‌اند، برخلاف مشرکان از عبادت‌کنندگان بت‌ها و مردگان، از پیامبران و اولیا و غیره؛ زیرا دین آنها هیچ اصلی ندارد و هیچ شبهه‌ای در آن نیست، بلکه از اساس باطل است، بنابراین ذبیحه‌ی آنان مردار است و خوردن آن جایز نیست.

و اما گفتار شخص به مخاطبش که: «جن تو را گرفته»، «جن تو را برده»، «شیطان تو را ربوده»، و امثال آن، این از باب دشنام و ناسزا است و این بین مسلمانان جایز نیست، مانند سایر انواع دشنام و ناسزا و این از باب شرک نیست، مگر اینکه گوینده‌ی آن معتقد باشد که جن‌ها بدون اذن و مشیت الله در انسان‌ها تصرف می‌کنند، پس هر کس چنین اعتقادی درباره‌ی جن یا دیگر مخلوقات داشته باشد، با این اعتقاد کافر است؛ زیرا الله سبحانه و تعالی مالک همه چیز و قادر بر هر چیزی است و اوست که نفع و ضرر می‌رساند و هیچ چیزی جز به اذن و مشیت و تقدیر پیشین او وجود ندارد، همان‌طور که الله جل جلاله به پیامبرش صلی الله علیه و سلم امر فرمود که این اصل بزرگ را به مردم اعلام کند:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۸]. یعنی: [ای پیامبر،] بگو: من مالک سود و زیان خویشتم نیستم، مگر آنچه را که الله بخواهد؛ و اگر غیب می‌دانستم، خیر [و سود] بسیاری [برای خود] فراهم می‌ساختم و هیچ بدی [و زیانی] به من نمی‌رسید. من [کسی] نیستم، مگر بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده‌ی [دلسوز] برای گروهی که ایمان دارند).

پس اگر سرور و برترین مخلوقات، محمد صلی الله علیه و سلم برای خود مالک هیچ نفع و ضرری نیست، مگر آنچه که الله متعال بخواهد، چه رسد به دیگر مخلوقات؟! و آیات در این معنا بسیار است.



و اما پرسیدن از غیبگویان، جادوگران، منجمان و امثال آنان که ادعای خبر از غیبات دارند، منکر است و جایز نیست، و تصدیق آنان شدیدتر و انکار آمیزتر است، بلکه این از شعبه‌های کفر است؛ به دلیل فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه وسلم: «هرکس نزد عَزَاف و غیبگویی برود و از او در مورد چیزی سوال کند، به مدت چهل روز، هیچ نمازی از او قبول نمی‌شود». این حدیث را مسلم در صحیح خود روایت کرده، و در صحیحش - نیز - از معاویه بن حَکَم سلمی رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم از رفتن نزد فالگیران و پرسیدن آنان نهی کردند. و اهل سنن از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت کرده‌اند که فرمودند: «هرکس نزد غیبگویی برود و او را در آنچه می‌گوید تصدیق کند، درحقیقت به آنچه بر محمد نازل شده، کفر ورزیده است».

و احادیث در این معنا فراوان است.

واجب بر مسلمانان این است که از سوال کردن از غیبگویان و فالگیران و سایر جادوگران که به اخبار از غیبات و فریب دادن مسلمانان مشغولند، چه به نام طبابت و چه غیر آن، پرهیز کنند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم از این کار نهی کرده و نسبت به آن هشدار داده‌اند.

و آنچه مشمول این موضوع می‌شود: ادعای غیب‌دانی است که برخی به نام طبابت و درمان مطرح می‌کنند، وقتی عمامه بیمار یا روسری بیمار را بو می‌کنند یا چیزی شبیه به آن، می‌گویند: این بیمار یا آن بیمار چنین کرده و چنان کرده، و از امور غیبی سخن می‌گویند که در عمامه بیمار و مانند آن دلالت و علامتی بر آن

نیست، بلکه هدف از این کار فریب دادن عوام است تا بگویند: او در طب و انواع بیماری و علت‌های آن آگاه است، و شاید چیزی از داروها به آن‌ها بدهد و شاید به خواست خدا آن دارو مؤثر واقع شود و گمان کنند که به سبب داروی او بوده است.

و شاید بیماری به سبب برخی از جن‌ها و شیاطین باشد که به آن مدعی طبابت خدمت می‌کنند و او را از برخی امور غیبی که بر آنها مطلع می‌شوند، آگاه می‌سازند. او نیز بر این اساس تکیه می‌کند و جن و شیاطین را با عبادتی که مناسب آنهاست، راضی می‌سازد، و در نتیجه آنها از آن بیمار دست می‌کشند و آنچه از اذیت و آزار با او داشته‌اند، رها می‌کنند. این چیزی است که درباره‌ی جن و شیاطین و کسانی که آنها را به کار می‌برند، شناخته شده است.

بر مسلمانان واجب است که از آن پرهیز کنند و یکدیگر را به ترک آن توصیه نمایند و بر خداوند سبحان توکل نموده و در همه‌ی امور به او اعتماد کنند. استفاده از رقیه‌های شرعی و داروهای مجاز اشکالی ندارد و درمان نزد پزشکانی که با استفاده از روش‌های حسی و معقول به معاینه‌ی بیمار و اطمینان از بیماری او می‌پردازند، جایز است. از پیامبر صلی الله علیه و سلم به‌طور صحیح نقل شده که فرمودند: «الله دردی نازل نکرده مگر آنکه برایش درمانی نازل کرده است، هر آنکه (به آن پی برد و) دانست، دانست و هر آنکه (به آن پی نبرد و) ندانست، ندانست».

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «برای هر دردی دوائی است، پس هرگاه دوائی درد پیدا شود، به اذن الله بهودی حاصل می شود». و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «ای بندگان الله، مداوا کنید و با آنچه حرام است درمان نکنید». و احادیث در این معنا پرشمار است.

از الله جل جلاله خواهانیم که احوال همه مسلمانان را اصلاح کند، و قلبها و بدن هایشان را از هر بدی شفا دهد، و آنان را بر هدایت جمع کند، و ما و آنان را از فتنه های گمراه کننده و از پیروی شیطان و اولیای او پناه دهد، همانا او بر هر چیزی تواناست، و هیچ حول و قوه ای نیست مگر به الله علی عظیم.

و درود و سلام و برکات الله بر بنده و پیامبرش، پیامبرمان محمد و بر آل و اصحابشان باد.

### نامه چهارم:

### در حکم عبادت کردن با خواندن اذکار و اوراد بدعی و شرکی

از سوی عبد العزیز بن عبد الله بن باز، به حضور برادر مکرم (.....)، الله او را برای انجام هر خیری موفق بدارد، آمین.

السلام علیکم و رحمہ الله و برکاته، اما بعد:

نامه ی گرامی شما به دستم رسید، الله شما را شامل هدایتش گرداند، و آنچه در آن ذکر شده بود که در سرزمین شما افرادی هستند که به اورادی پایبندند که الله هیچ دلیلی برای آن نازل نکرده است، برخی از آنها بدعت آمیز و برخی شرک آمیز

است، و این را به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه و دیگران نسبت می‌دهند، و این اوراد را در مجالس ذکر یا در مساجد پس از نماز مغرب می‌خوانند، به این گمان که این کار موجب تقرب جستن به الله است، مانند گفتن: «به حق الله، ای مردان الله، با کمک الله به ما یاری رسانید و با الله یارمان باشید». و همچون گفتارشان: «ای قطب‌ها، ای سروران، ای کسانی که به ما مدد می‌رسانید، پاسخ دهید و نزد الله شفاعت کنید، این بنده‌تان ایستاده و بر درگاه‌تان معتکف بوده و از کوتاهی‌اش هراسان است، ای رسول الله، به فریادمان برسید، و جز شما کسی را ندارم که نزدش بروم، و حاجت از سوی شما برآورده می‌شود، و شما اهل الله هستید، به حق حمزه سید الشهداء، و از شما برای ما مدد رسانید، ای رسول الله، به فریادمان برسید». و چنانکه می‌گویند: «بارالها، بر کسی که او را سبب انشقاق اسرار جبروتی و انفلاق انوار رحمانی‌ات قرار دادی، درود بفرست؛ تا او نایب حضرت ربانی و خلیفه‌ی اسرار ذاتی‌ات گردد».

و تمایل شما به بیان اینکه چه چیزی بدعت است و چه چیزی شرک، و آیا نماز پشت سر امامی که این دعا را می‌خواند صحیح است، یا نه؟

**پاسخ:** ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست و بر آل و اصحابشان باد و بر تمام کسانی که تا روز قیامت به هدایت او راه یافتند، اما بعد:

بدان - الله توفیقت بدهد - که الله مخلوقات را خلق نموده و پیامبران علیهم السلام را فرستاده تا تنها او را عبادت کنند، بی‌آنکه شریکی برای او در نظر گرفته

شود، چنانکه الله تعالی فرموده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]، یعنی: (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند).

و عبادت - چنان که پیشتر بیان شد - عبارت است از: اطاعت از خداوند سبحان و اطاعت از پیامبر او محمد صلی الله علیه و سلم؛ با انجام آنچه خدا و رسولش به آن دستور داده‌اند و ترک آنچه خدا و رسولش از آن نهی کرده‌اند، از روی ایمان به خدا و رسولش و اخلاص در عمل برای خدا، همراه با نهایت محبت به خدا و کمال فروتنی تنها در برابر او نه در برابر هیچ کسی دیگر؛ چنان که خداوند تعالی فرموده است: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ [الإسراء: ۲۳]، یعنی: (و پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید) یعنی امر و توصیه نموده که تنها او عبادت شود.

و الله تعالی می‌فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ \* مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ \* إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحة: ۲-۵]. یعنی: (تمام ستایش‌ها [و سپاس‌ها] از آن الله پروردگار جهانیان است \* بخشنده مهربان است \* مالک روز جزاست \* تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم).

الله متعال با این آیات روشن ساخت که تنها او شایسته عبادت و یاری خواستن است، چنانکه می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ \* أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾ [زمر: ۲-۳]، یعنی: (این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را با خلوص اعتقاد عبادت کن \* و بدان که دین خالص از آن الله است).

والله متعال می فرماید: ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [غافر: ۱۴]. یعنی: (تنها) الله را با خلوص اعتقاد بخوانید؛ هر چند کافران خوششان نیاید، و الله تعالی می فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸]. یعنی: (و اینکه مساجد از آن الله است، پس کسی را با الله نخوانید).

آیات در این معنا بسیارند و همه دلالت بر وجوب یگانگی الله در عبادت دارند. و معلوم است که دعا با انواعی که دارد عبادت محسوب می شود، پس جایز نیست که هیچ انسانی کسی جز پروردگارش را به دعا بخواند، و جز او را به یاری و فریاد بخواند، و به این آیات کریمه و دیگر آیاتی که در این معنا آمده عمل کند. و این در غیر از امور عادی و اسباب حسی است که مخلوق زنده و حاضر قادر به انجام آن است؛ زیرا این از عبادت محسوب نمی شود، بلکه بنابر نص و اجماع جایز است که انسان از انسان زنده و قادر در امور عادی که او قادر به انجام آن است، کمک بخواند؛ مانند اینکه از او کمک بخواند یا به فریاد او برسد در دفع شر فرزندش یا خدمتکارش یا سگش و امثال آن.

و مانند اینکه انسان از انسان زنده و حاضر قادر، یا غایب، به واسطه اسباب حسی مانند مکاتبه و امثال آن در ساختن خانه اش یا تعمیر ماشینش یا امثال آن کمک بخواند، و از مصادیق آن، فریادخواهی انسان از یارانش در جهاد و جنگ و امثال آن است. و از این باب سخن الله متعال در داستان موسی علیه السلام: ﴿فَاسْتَعَاذَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ﴾ [القصص: ۱۵]، یعنی: (کسی که از قوم او بود، علیه دشمنش از موسی یاری خواست).

اما استغاثه و فریادخواهی از مردگان، جن، فرشتگان، درختان و سنگ‌ها: این از شرک اکبر و از جنس عمل مشرکان نخستین با معبودانشان مانند عزى و لات و غیره است. همچنین یاری‌طلبی و به‌فریاد خواهی از زندگانی که باور به ولایت آن‌ها در اموری دارند که فقط الله متعال قادر به انجام آن است؛ مانند شفای بیماران، هدایت قلوب، ورود به بهشت، نجات از آتش و امثال آن.

آیات پیشین و دیگر آیات و همچنین احادیثی که در این معنا آمده است: همه دلالت بر وجوب روی کردن دل‌ها به سوی خداوند در تمامی امور و اخلاص در عبادت فقط برای خداوند دارند؛ زیرا بندگان برای این آفریده شده‌اند و به این امر شده‌اند -چنانکه در آیات پیشین آمده است- و همان‌طور که خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۶]، یعنی: (و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید).

و می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ [البينة: ۵]، یعنی: (و [به چیزی] امر نشدند، مگر آن که الله را عبادت کنند در حالی که دین را برای او خالص گردانند و به توحید روی آورند).

و سخن پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث معاذ رضی الله عنه: «حَقِّقِ اللَّهَ بِرِ بَدِّغَانِ اِیْنِ اَسْتِ اِهْ اَوْرَا عِبَادَتِ كُنُنْدِ وَّ حِیْزِی رَا بَا اَو شَرِیْكَ نِیَاوْرُنْدِ». بخاری و مسلم در صحت آن اتفاق دارند.

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم در حدیث ابن مسعود رضی الله عنه فرمودند: «هر کسی بمیرد در حالی که همراه الله شریکی می‌خواند، داخل آتش (جهنم) می‌شود». به روایت بخاری.

و در صحیحین از حدیث ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگامی که معاذ را به یمن فرستاد به او فرمود: «تو به نزد گروهی از اهل کتاب می‌روی، پس اولین چیزی که آنان را به سوی دعوت می‌کنی، شهادت لا اله الا الله باشد». و در لفظی دیگر آمده است: «آنان را به گواهی دادن به اینکه معبودی به حق جز الله نیست و اینکه من فرستاده الله هستم دعوت کن». و در روایتی دیگر از بخاری آمده که: «پس اولین چیزی که آنان را به سوی آن دعوت می‌کنی این باشد که خدا را به یگانگی عبادت کنند».

و در صحیح مسلم از طارق بن اشیم اشجعی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «کسی که «لا اله الا الله» بگوید و به آنچه جز الله عبادت می‌شود کفر ورزد؛ مال و خونش حرام می‌شود و حساب او بر عهده الله جل جلاله خواهد بود». و احادیث در این معنا پر شمار است.

و این توحید اصل دین اسلام و اساس امت اسلامی است، و رأس امر و مهم‌ترین فرائض است، و حکمت از خلقت انسان‌ها و جنیان و حکمت از ارسال تمامی پیامبران علیهم السلام است، همانطور که آیاتی که دلالت بر این موضوع دارد پیش‌تر بیان شد، از جمله: گفته‌اند سبحان: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا



لِيعْبُدُونَ ﴿الذاریات: ۵۶﴾، یعنی: (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند).

از دیگر دلایل این مساله، این سخن الله جل جلاله است که: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶]، یعنی: (یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: فقط الله را عبادت کنید و از طاغوت [معبودان غیر الله] دوری کنید).

و الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [الانبیاء: ۲۵]، یعنی: (و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگوید]: معبودی [به حق] جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید).

و الله جل جلاله درباره نوح و هود و صالح و شعیب علیهم السلام می فرماید که به اقوام خود گفتند: ﴿اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾ [الأعراف: ۵۹]، یعنی: (الله را عبادت کنید که برای شما معبودی جز او نیست).

و این دعوت همه پیامبران است، چنانکه دو آیه پیشین بر آن دلالت دارند، و دشمنان پیامبران اعتراف کردند که پیامبران آنان را به عبادت الله به یگانگی و ترک معبودان دیگر امر کرده اند، چنانکه در داستان عاد، الله جل جلاله می فرماید که آنان به هود علیه السلام گفتند: ﴿أَجِئْتَنَا لَتَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَدَّرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا﴾ [الأعراف: ۷۰]، یعنی: (آیا به سوی ما آمده ای که فقط الله را عبادت کنیم و آنچه را پدران مان عبادت می کردند رها کنیم؟).

و الله متعال درباره قریش می فرماید هنگامی که پیامبر ما محمد صلی الله علیه و سلم آنان را به عبادت الله به یگانگی و ترک عبادت فرشتگان، اولیاء، بت‌ها، درختان و غیره دعوت کرد، گفتند: ﴿أَجْعَلُ الْأَلِهَةَ لَهَا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ﴾ [ص: ۵]. یعنی: (آیا معبودان [مختلف] را [تبدیل به] معبودی یگانه کرده است؟ این واقعاً چیز عجیبی است)، و الله متعال در مورد آنها می فرماید: ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ \* وَيَقُولُونَ آيَاتُنَا لَن آتِيَنَّا لَشَاعِرٍ مُّجْتَوٍ﴾ [الصفات: ۳۵-۳۶]. یعنی: (آنان بودند که وقتی به آنان گفته می شد: «معبودی [به حق] جز الله نیست» سرکشی [و تکبر] می کردند و می گفتند: آیا ما معبودان مان را به خاطر [سخن] شاعری دیوانه رها کنیم؟!).

آیات دلالت کننده بر این معنا بسیارند.

با توجه به آیات و احادیثی که ذکر کردیم: برایت روشن می شود - خداوند من و تو را توفیق فهم دین و بصیرت در حق پروردگار جهانیان عنایت کند - که این دعاها و انواع استغاثه و فریادخواهی - که در سوال بیان کردی -، همه از انواع شرک اکبر هستند؛ زیرا عبادت غیر خداوند و درخواست اموری است که فقط او قادر به برآورده نمودن آنها است، از مردگان و غایبان، از شرک پیشینیان زشت تر است؛ زیرا پیشینیان تنها در حال آسایش شرک می ورزیدند، و اما در هنگام سختی‌ها، عبادت را خالصانه برای الله متعال انجام می دهند؛ زیرا می دانستند که او سبحانه و تعالی تنها کسی است که می تواند آنها را از سختی نجات دهد و نه دیگری، چنانکه الله متعال در کتاب مبین خود درباره‌ی آن مشرکان می فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾ [العنکبوت: ۶۵].

یعنی: (وقتی [مشرکان] در کشتی سوار می‌شوند، الله را با اخلاص می‌خوانند؛ اما چون آنان را به خشکی می‌رساند و [از خطر غرق شدن] می‌رهاند، آنگاه [باز هم] شرک می‌ورزند)، و الله سبحانه و تعالی در آیه‌ی دیگری آنها را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد: ﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا﴾ [الإسراء: ۶۷]. یعنی: (و آنگاه که در دریا گزندی به شما می‌رسد، هر کس را [به حاجت‌خواهی] می‌خوانید، ناپدید [و فراموش] می‌گردد، مگر [ذات پاک] او؛ اما وقتی شما را [از خطر مرگ] رهاند و به خشکی رساند، [از عبادت الله به یگانگی] رویگردان می‌شوید؛ و انسان همواره ناسپاس است).

پس اگر یکی از این مشرکان متأخر بگوید: ما باور نداریم آن‌ها به خودی خود و به‌طور مستقل به ما سود می‌رسانند و یا بیماران ما را به خودی خود شفا دهند، یا به خودی خود سود و زیان می‌رسانند، بلکه از آن‌ها می‌خواهیم در رابطه با این قضایا برای ما نزد خداوند شفاعت کنند، پاسخ این است که به او گفته شود: این همان مقصود و هدف کفار نخستین است، و آن‌ها بر این باور نبودند که معبودان‌شان آفریننده یا روزی‌دهنده هستند و یا به خودی خود نفع یا ضرری می‌رسانند، زیرا آنچه الله متعال در قرآن درباره آنان ذکر کرده، این تصور را باطل می‌کند، بلکه آنان خواستار شفاعت و مقام و نزدیک کردن آن‌ها به الله بودند، همان‌طور که الله متعال فرموده است: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ [یونس: ۱۸]. یعنی: (و [مشرکان] به جای الله چیزهایی را عبادت می‌کنند که نه به آنان زبانی می‌رساند و نه سودی به آنان می‌بخشد و می‌گویند:

اینها، [واسطه‌ها و] شفاعتگرانِ ما نزد الله هستند، و الله متعال در پاسخ به آنها فرمودند: ﴿قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [یونس: ۱۸]، یعنی: (ای پیامبر، [بگو: «آیا [به گمان خود،] الله را از چیزی (شریکی) آگاه می‌سازید که در آسمان‌ها و زمین [برایش قائلید و خود] نمی‌دانند؟» الله تعالی منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می‌سازند، برتر است).

پس خدای سبحان روشن ساخت که در آسمان‌ها و زمین شیعی نزد او به آن صورتی که مشرکان به آن روی می‌آورند، وجود ندارد؛ و آنچه الله از وجودش آگاه نیست، وجود ندارد؛ زیرا هیچ چیزی از خداوند سبحان پوشیده نمی‌ماند. و الله تعالی می‌فرماید: ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ \* إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ \* أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۱-۳]، یعنی: (نزول [این] کتاب از جانب الله شکست‌ناپذیر حکیم است \* این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را با خلوص اعتقاد عبادت کن \* آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده اند [پندارشان این است که: «آنها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند [و منزلتمان را بیشتر کنند]، الله در مواردی

که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد، بی تردید،  
 الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد).

و معنای دین در اینجا: عبادت است، یعنی: طاعت الله و طاعت پیامبر او صلی  
 الله علیه و سلم همان طور که قبلا بیان شد و شامل آن می شود: دعا و استغاثه، و  
 ترس و امید، و ذبح و نذر، همچنین شامل آن می شود: نماز و روزه، و دیگر چیزهایی  
 که الله و رسولش به آن دستور داده اند. پس خداوند سبحانه و تعالی بیان کرد که  
 عبادت تنها برای اوست و بر بندگان واجب است که آن را برای او جل جلاله خالص  
 گردانند؛ زیرا دستور خداوند به پیامبرش برای خالص گرداندن عبادت برای او،  
 دستوری برای همه پیروان این امت است.

پس از آن، خداوند در رابطه با کفار چنین بیان می دارد: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ  
 أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ [الزمر: ۳]. یعنی: (و افرادی که غیر الله  
 را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده اند [پندارشان این است که: آنها را فقط  
 به این دلیل عبادت می کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند)، خداوند در پاسخ به  
 آنها می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ  
 هُوَ كَذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳]. یعنی: (الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان  
 آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی تردید، الله کسی را که دروغگوی  
 ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد).

الله متعال در این آیه کریمه خبر داده است که کافران از پرستش اولیا در کنار  
 خداوند هدفی ندارند جز اینکه آنها را به الله نزدیک گردانند؛ و این همان هدف

کافران در گذشته و حال است، و الله متعال با سخنان خود این باور را باطل نموده است در آنجایی که می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳]. یعنی: (الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدان راستین] داوری خواهد کرد. بی تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد).

خداوند سبحانه و تعالی به روشنی دروغ بودن ادعای آنان که می گویند معبودان شان آنها را به خدا نزدیک می کنند و همچنین کفرشان بخاطر عبادتی که به آن معبودان اختصاص داده اند را بیان کرده است. و بدین ترتیب، هر کسی که اندکی قدرت تشخیص داشته باشد، می داند که کفر کافران نخستین برای این بود که انبیا و اولیا، درختان و سنگ ها و دیگر مخلوقات را به عنوان واسطه و شفیع میان خود و خداوند قرار می دادند.

و همچنین خداوند این اعتقادشان که آنان بدون اذن و رضایت او سبحانه و تعالی، نیازهایشان را برآورده می کنند، همان گونه که وزرا نزد پادشاهان شفاعت می کنند، را تکذیب کرده است، زیرا آنان او جل جلاله را با پادشاهان و رهبران قیاس کردند. و گفتند: همانگونه که اگر کسی خواسته ای از پادشاه و رهبر داشته باشد، نزدیکان و وزرایش را شفیع و واسطه قرار می دهد، ما هم با توسل به عبادت پیامبران و اولیا به خداوند نزدیک می شویم، و این از باطل ترین باطل ها است؛ زیرا خداوند سبحان هیچ شبیهی نداشته و با مخلوقاتش قیاس نمی شود، و هیچ کسی نزد او شفاعت نمی کند جز با اذن و اراده او، و او نیز به کسی جز اهل توحید اجازه شفاعت نخواهد داد، و خدای سبحان بر هر کاری توانا و بر هر چیزی داناست و او

مهربان‌ترین مهربانان است، از کسی بیم و هراس ندارد زیرا او بر بندگانش چیره بوده و هر گونه بخواهد در مورد آن‌ها تصرف می‌کند. بر خلاف پادشاهان و رهبران زیرا آن‌ها قادر به هر کاری نیستند بنابراین نیاز به وزیران و نزدیکان و سربازانی دارند که در مواردی که ناتوان هستند به آن‌ها کمک کنند، کما اینکه نیاز دارند که نیازمندی که خود از نیازشان آگاه نیستند را به آن‌ها برسانند، پس نیازمند وزرا و نزدیکانی هستند که برای جلب لطف و رضایت آن‌ها تلاش کنند. اما پروردگار جل جلاله از همه‌ی آفریدگانش بی‌نیاز است و از مادرانشان به آنان مهربان‌تر است. او حاکم عادل است که هر چیزی را بر اساس حکمت و علم و قدرتش در جای خود قرار می‌دهد، بنابراین، به هیچ وجه نمی‌توان او را با آفریدگانش مقایسه کرد.

و به همین دلیل، الله متعال در کتابش بیان نموده که مشرکان اقرار کرده‌اند که او خالق و روزی دهنده و تدبیرگر است و اوست که به درمانده پاسخ می‌دهد و بدی را برطرف می‌کند و زنده می‌کند و می‌میراند و دیگر کارها را انجام می‌دهد.

و در واقع نزاع و درگیری میان مشرکان و پیامبران بر سر خالص گرداندن عبادت برای الله بوده است، چنانکه الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾ [الزخرف: ۸۷]، یعنی: (و اگر از آن‌ها (مشرکان) بپرسی: چه کسی آن‌ها را آفریده است؟ به طور قطع خواهند گفت: الله ما را آفریده است).

و الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ [یونس: ۳۱]، یعنی: (ای پیامبر، به مشرکان] بگو:

کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد؟ یا کیست که بر گوش‌ها و دیدگان حاکم است؟ و کیست که [موجود] زنده را از [ماده] بی‌جان بیرون می‌آورد و [ماده] بی‌جان مرده را از [موجود] زنده خارج می‌سازد؟ و کیست که کار [جهان و جهانیان] را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: «الله». پس بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟ آیات در این معنا بسیار است.

قبلاً به آیاتی که ثابت می‌کند که نزاع و درگیری میان پیامبران و امت‌هایشان بر سر خالص گرداندن عبادت برای الله بوده اشاره شد، چنانکه خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶]، یعنی: (یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: فقط الله را عبادت کنید و از طاغوت (معبودان غیر الله) دوری کنید)، و همچنین آیات دیگری که در این معنا آمده است.

و الله سبحانه در مواضع بسیاری از کتاب کریمش شأن شفاعت را تبیین نموده است؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [البقرة: ۲۵۵]، یعنی: (کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟)، و الله عزوجل می‌فرماید: ﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُرِضِي﴾ [النجم: ۲۶]، یعنی: (و چه بسیار فرشتگانی که در آسمان‌ها هستند که شفاعت آن‌ها هیچ سودی نمی‌بخشد، مگر پس از آنکه الله برای هرکس که بخواهد اجازه دهد و راضی باشد).



و در وصف فرشتگان فرمود: ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ [الانبیاء: ۲۸]، یعنی: (و آنان جز برای کسی که [الله] پسندد [و از او راضی باشد] شفاعت نمی کنند و خود از بیم او هراسانند).

و الله متعال خبر داده است که کفر را از بندگانش نمی پسندد و تنها شکر را از آنان می پسندد، و شکر همان توحید و عمل به طاعت اوست؛ الله متعال می فرماید: ﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّي وَعَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ﴾ [الزمر: ۷]، یعنی: (اگر ناسپاسی کنید، [بدانید که] الله از شما بی نیاز است و هرگز ناسپاسی بندگانش را نمی پسندد؛ و اگر شکر او را به جای آورید، این کار را برایتان می پسندد).

و بخاری در صحیح خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که گفت: ای رسول خدا! سعادتمندترین مردم به شفاعت شما چه کسی است؟ فرمود: «کسی که «لا اله الا الله» را خالصانه از دل بگوید». یا فرمودند: «از خودش».

و در صحیح از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ، فَتَعَجَّلَ كُلُّ نَبِيٍّ دَعْوَتَهُ، وَإِنِّي اخْتَبَأْتُ دَعْوَتِي شَفَاعَةً لِأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَهِيَ نَائِلَةٌ. إِنْ شَاءَ اللَّهُ - مَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا»: یعنی: «هر پیامبری دعایی مستجاب دارد که آن را (در دنیا) تعجیل کرده و اجابت شده است؛ و من دعایم را برای شفاعت امتم در روز قیامت ذخیره کردم و این شفاعت - ان شاء الله - شامل حال کسی از امتم می شود که بدون شرک به خداوند از دنیا برود». و احادیث در این معنا پرشمار است.

و تمام آیاتی که ذکر کردیم و احادیثی که آمده‌اند، همه دلالت بر این دارند که عبادت تنها حق الله است و نباید هیچ بخشی از آن را به غیر الله اختصاص داد، نه به پیامبران و نه به غیر آنان؛ و شفاعت ملک خداوند جل جلاله است، همانگونه که می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا﴾ [الزمر: ۴۴]، یعنی: (همه‌ی شفاعت‌ها برای الله است).

و هیچ کس شایسته‌ی آن نیست مگر با اجازه‌ی او از شفاعت‌کننده، و رضایت او از کسی که شفاعت برای وی انجام می‌شود، و او سبحانه و تعالی جز توحید را نمی‌پسندد همان‌طور که قبلاً ذکر شد.

بنابراین: مشرکان سهمی در شفاعت ندارند و الله متعال این را در این فرموده خود بیان کرده است: ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ [المدثر: ۴۸]، یعنی: (پس شفاعتِ شفاعت‌کنندگان سودی به آنها نمی‌بخشد)، و الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾ [غافر: ۱۸]، یعنی: (در آن روز [ستمگران نه دوستی مهربان دارند و نه شفיעی که سخنش پذیرفته شود]).

و مشخص است که هر گاه ظلم به‌طور مطلق ذکر شود منظور از آن همان شرک و ورزیدن به الله متعال است، چنانکه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۴]، یعنی: (و کافران همان ظالمان هستند)، و الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [لقمان: ۱۳]، یعنی: (همانا شرک ظلمی بس بزرگ است).

اما آنچه در سؤال ذکر کردید: از قول برخی از صوفی‌ها در مساجد و غیره: «بارها، بر کسی که او را سبب شکافتن اسرار جبروتی و تاییدن انوار رحمانی ات

قرار دادی، تا جایی که حضرت ربانی و خلیفه‌ی اسرار ذاتیات گشته درود بفرست... الخ

پاسخ این است: باید گفت که این سخن و امثال آن از جمله تکلف و افراط است؛ که پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم از آن برحذر داشته است؛ چنان که مسلم در صحیح خود از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ»: یعنی: «اهل سخت‌گیری [و غلو] هلاک شدند» این را سه بار تکرار نمود.

امام خطابی رحمه الله گفته‌اند: المتنطع: کسی که در امری به تعمق فرو می‌رود و به تکلف در جستجوی آن می‌پردازد؛ مانند مذاهب اهل کلام که وارد اموری می‌شوند که به آنها مربوط نیست و در مسائلی که عقلشان به آن نمی‌رسد، به بحث و جدل می‌پردازند.

و ابو السعادات ابن اثیر گفته‌اند: آنان کسانی هستند که در سخن گفتن به افراط و غلو می‌پردازند و با ته حلق خود سخن می‌گویند. این اصطلاح از «نطع» گرفته شده که به معنای سقف بالایی دهان است، و سپس در مورد هر کسی که در گفتار و کردار به تعمق فرو می‌رود، به کار رفته است.

و با آنچه این دو امام زبان‌شناس و لغوی ذکر کرده‌اند، برای تو و هر کسی که اندک بصیرتی دارد، روشن می‌شود که این شیوه در درود و سلام بر پیامبر و سرور ما رسول الله صلی الله علیه وسلم از جمله تکلف و افراطی است که از آن نهی شده است. آنچه برای مسلمان در این رابطه مشروع است این است که جوایب کیفیت

نمازی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده و روش سلام و درود فرستادن بر ایشان باشد، این‌ها برایش کافی بوده و نیاز به چیز دیگری ندارد.

و از آن جمله: آنچه بخاری و مسلم در کتاب‌های صحیح خود از کعب بن عُجره رضی الله عنه روایت کرده‌اند، که صحابه رضی الله عنهم گفتند: ای رسول الله! خداوند ما را امر کرده که بر شما درود بفرستیم؛ پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان فرمودند: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» یعنی: (یا الله، بر محمد و آل محمد درود بفرست، همانطور که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، تو ستوده و بزرگواری، و بر محمد و آل محمد وکت بفرست، همانطور که بر ابراهیم و آل ابراهیم وکت فرستادی، تو ستوده و بزرگواری).

و در صحیحین از ابوحمید ساعدی رضی الله عنه روایت است که گفتند: یا رسول الله! چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان فرمود: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارَكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» یعنی: (یا الله، بر محمد درود بفرست و بر همسران و ذریتش، چنانکه بر آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و بر همسران و ذریتش وکت ارزانی دار، چنانکه بر آل ابراهیم وکت ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و بسیار بلند مرتبه‌ای).

و در صحیح مسلم از ابومسعود انصاری رضی الله عنه روایت است که بشیر بن سعد گفت: ای رسول الله! خداوند به ما امر کرده که بر شما درود بفرستیم؛ پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان سکوت کردند سپس فرمودند: بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَالسَّلَامُ كَمَا عَلِمْتُمْ»، یعنی: (یا الله، بر محمد و آل محمد درود بفرست، همانطور که بر آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و آل محمد وکت بفرست، همانطور که بر آل ابراهیم در میان جهانیان بکت فرستاده‌ای، تو ستوده و بسیار بلند مرتبه‌ای، و سلام، آنگونه است که دانسته‌اید).

پس شخص مسلمان باید این الفاظ و امثال آنها و دیگر الفاظی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است را در سلام و درود فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه وسلم به کار ببرد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم داناترین مردم به آن چیزی است که شایسته است در حق او به کار برده شود، همان‌طور که او داناترین مردم به الفاظی است که بنده بایستی در برابر پروردگار خود به کار ببندد.

اما گفتار متکلف و نوظهور و الفاظی که احتمال معنای نادرست دارند؛ مانند الفاظی که در سؤال ذکر شده است، نباید به کار برده شوند؛ زیرا در آنها تکلف وجود دارد و ممکن است به معانی باطل تفسیر شوند، و با الفاظی که رسول الله صلی الله علیه وسلم برگزیده و به امت خود ارشاد نموده است، مخالف هستند، در حالی که او داناترین و خیرخواه‌ترین و دورترین از تکلف در میان خلق است، بر او از جانب پروردگارش بهترین درودها و سلام‌ها باد.

امیدوارم ادله‌ای که در بیان حقیقت توحید و شرک و تفاوت میان باورهای مشرکان نخستین و مشرکان متأخر در این باب ذکر کردیم، و کیفیت درست درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم کافی بوده و برای حق جویان قانع کننده باشد. اما کسی که تمایلی به شناخت حق ندارد؛ این شخص تابع هوای نفس خود است، الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۵۰]، یعنی: (پس اگر [این سخن] تو را نپذیرفتند، بدان که آن‌ها فقط از هوس‌های خود پیروی می‌کنند، و گمراه‌تر از آن کس که هوای نفس خویش را بدون [هیچ] هدایتی از [سوی] الله پیروی می‌کند؛ کیست؟! بی‌گمان الله گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند).

و الله متعال در این آیه کریمه بیان نموده که: مردم در برابر هدایت و دین حقی که برای پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده است به دو گروه تقسیم می‌شوند:

یکی از آن دو: آنانی که خدا و رسولش را استجابت کرده‌اند.

و دوم: تابع هوای نفس خود است؛ سپس خدای سبحان بیان نمود که هیچ کس گمراه‌تر از کسی نیست که بدون هدایت الهی از هوای نفس خود پیروی کند.

از الله جل جلاله خواهانیم که ما را از پیروی هوا و هوس مصون دارد و ما و شما و سایر برادرانمان را از کسانی قرار دهد که ندای الله و پیامبرش صلی الله علیه وسلم را اجابت می‌کنند و شریعت او را بزرگ می‌دارند و از هر آنچه با بدعت‌ها و

---

---

پاسداری از توحید (نامه دوم و نامه سوم و نامه چهارم)  
خواهش‌های نفسانی که با شریعت او مخالف است بر حذر می‌شوند. او بخشنده و سخاوتمند است.

و درود و سلام الله بر بنده و رسولش؛ پیامبر ما محمد و بر خاندان و اصحاب او و پیروانش که به نیکی از او پیروی کردند تا روز قیامت.



فهرست

نامهٔ دوم: در حکم مددخواهی از پیامبر صلی الله علیه و سلم..... ۳

نامهٔ سوم: در مورد حکم مددخواهی از جن و شیاطین و نذر برای آنها..... ۱۶

نامهٔ چهارم: در حکم عبادت کردن با خواندن اذکار و اوراد بدعی و شرکی... ۳۳





حرمين



رئاسة الشؤون الدينية  
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

